



نیازمند بازگشت اخلاق هستیم

محمود صادقی، دبیرکل انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها در مجمع عمومی این انجمن با بیان اینکه بعد از جنگ ۱۲ روزه انتظار تغییر در رویه‌ها توسط مراکز تصمیم‌گیری وجود داشت، گفت: «اما دریغ که در بر همان پاشنه می‌چرخد و می‌لنگد.» او با تأکید بر اینکه پیش‌نیاز اصلاح وضع موجود اعتراف به این است که اکنون ماحصل روندی است که خودمان طی کرده‌ایم، گفت: «ما به بازگشت به اخلاق نیازمندیم.» صادقی همچنین تغییر رویه موجود در سیاست خارجی، اصلاحات ساختاری در نظام حکمرانی، تقویت انسجام و همگرایی ملی، تقویت زمینه‌های مردم‌سالاری و مشارکت سیاسی را از موارد گریزناپذیر برای عبور از این شرایط عنوان کرد و گفت: «امروز ما از این راه می‌توانیم به ایران امن، بانبات، توسعه‌یافته، الهام‌بخش، برخوردار و در تعامل سازنده و مؤثر با جهان دست یابیم.»



با دنیا مصالحه کنیم

محسن امین‌زاده، معاون اسبق وزارت خارجه، در مجمع عمومی انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها با اشاره به اینکه ایران بحرانی‌ترین وضعیت اقتصادی خودش بعد از انقلاب را تجربه می‌کند، گفت: «هنوز نمی‌دانیم که استنبیک چه آثاری می‌تواند داشته باشد و چه شرایطی را شکل خواهد داد. البته روسیه و چین بر خلاف سال ۱۳۸۴ که به خاطر سیاست خارجی بی‌خردانه ایران، در کنار آمریکا و اروپا ایستادند، این بار در کنار کشورهای غربی در مقابل ایران نایبستادند؛ اما هنوز روشن نیست که این ایستادگی چه میزان بحرانی شدن تجارت خارجی ایران را التیام بخشد.» او همچنین گفت: «منافع ملی ما ایجاب می‌کند با دنیا مصالحه کنیم. الان امکان این را داریم که با دنیا و با غرب مصالحه کنیم. برای اینکه بهترین روابط را با چین و روسیه هم داشته باشیم باید با غرب مصالحه و تعامل داشته باشیم. اگر روابط ما با جهان از جمله آمریکا بحرانی باشد، هیچ کشوری حاضر نیست هزینه بحران روابط ما با آمریکا و غرب را بدهد.»



خروج ۱۲ هزار استاد در ۱۰ سال

غلامرضا ظریفیان، معاون پیشین وزیر علوم، در مجمع عمومی انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها گفت: «دانشگاه «عقل نقاد» یک جامعه است و به میزانی که این عقل نقاد فعال شود، نقش گشودگی برای جامعه ایجاد می‌کند. ولی ما به این نهاد که می‌توانسته راهگشا باشد، اگر نخواهیم بگوییم با سوءظن نگاه کردیم، ولی به هر حال در قفسش کرده‌ایم.» معاون پیشین وزیر علوم با تأکید بر ضرورت استقلال دانشگاه، افزود: «در ۱۰ سال اخیر ۱۲ هزار استاد دانشگاه از ایران خارج شده‌اند که این ۶۰ درصد آن برای چهار سال اخیر است. ما اصلاح‌طلبان جایی که لازم باشد از دولت دفاع می‌کنیم؛ چون می‌دانیم چه اتفاقاتی افتاد. ولی الان در کلان این نگاه استراتژیک وجود دارد که می‌خواهند دانشگاه را به سمت استقلال ببرند و امیدوارم تا قبل از سال جدید اتفاقات خوبی بیفتد.»



شنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۴
سال چهارم، شماره ۹۳۲
www.hammihanonline.ir

سعید شریعتی عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت تشریح کرد:

هشدار خاتمی به بازگشت رویه‌ها



منصوره محمدی
خبرنگار گروه سیاست

سعید شریعتی، عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت در گفت‌وگو با هم‌میهن درخصوص صحبت‌های اخیر محمد خاتمی تأکید کرد که پس از جنگ این انتظار بود که ادبیات رسانه‌های حاکمیتی تغییر کند و همه‌بخش‌های جامعه خود را در آن ببینند اما با فروکش کردن ماجرا و بازگشت ثبات و آرامش به ساختار، همه چیز به تنظیمات اولیه بازگشت که این نشانه خوبی نبود.



«آقای خاتمی در بخشی از سخنانش به اهمیت دانستن «حد و اندازه خود»، اشاره کرده و گفته است: «اولی ما چه حکومت و چه مردم و چه گروه‌ها باید حد و اندازه خود را بشناسیم.» به نظر تان چگونه این شناخت باید مورد توجه قرار گیرد؟

این گزاره آقای خاتمی را اینگونه استنباط می‌کنم که ایشان سهم و نقش نیروهای سیاسی، نهاده‌ا و مجموعه کسانی که در وضعیت فعلی کشور سهم‌هستند را مورد اشاره قرار می‌دهد و می‌گوید هر گروهی در به وجود آمدن چنین وضعیتی که مطلوب نیست، همه از جمله آقای خاتمی نیز به آن اذعان و اشاره دارند و جامعه از جوانب موجود مشکل دارد. هر کسی باید نقش خود را بپذیرد، و در جهت برطرف کردن آثاری که از نتایج عمل و اقدام آن بخش، جامعه را متأثر کرده است برپایند. در واقع نیروهای سیاسی زمانی که در قدرت هستند و از آن سهم‌خواهی می‌کنند باید مراقب باشند که در نتایج نیز سهم‌هستند و مسئولیت اقدامات خود را بپذیرند و در جهت برطرف کردن آثار سوء اقدامات خود قدم بردارند. این یک نگاه اصلاح‌طلبانه است که آقای خاتمی به این شکل بیان کردند، نکته دیگر، تناسب مسئولیت‌ها و اختیارات است؛ آقای خاتمی به یک نقطه عمیق یعنی فلسفه حکمرانی اشاره می‌کنند که تناسب مسئولیت‌ها و اختیارات باید رعایت شود. یعنی هر کس اختیار بیشتری در قدرت دارد باید مسئولیت بیشتری نیز متوجه‌وی باشد، نمی‌شود تمام قدرت و اختیارات را داشت و مسئول وضعیت موجود نبود. به میزانی که نقش در جامعه دارد باید مسئولیت را بپذیرد و اگر اشکالی وجود دارد را متوجه خود بداند و این توصیه‌ای است که آقای خاتمی به همه نیروهای سیاسی، نهاده‌ا، حکومت و حتی آحاد مردم دارد. هرکسی به سهم خود در وضعیت به وجودآمده دخیل است و باید در جهت رفع مسائل اقدام کند.

۴ا ان وضعیت کشور در این راستا چگونه است؟

درحالی‌که براساس پیمایش‌ها، حداقل از سال ۹۸ به بعد، وضعیت عمومی مردم هر بار که در این پیمایش‌ها مورد سوال قرار گرفتند، بیش از ۹۰ درصد مردم جامعه از وضعیت موجود ناراضی هستند و این ناراضی‌تری در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاست خارجی و... است، گسترده و عمق یافته است، در حالی‌که همه روی این مسئله اتفاق نظر دارند که ناراضی‌تری در جامعه گسترده است و جامعه از وضعیت موجود ناراضی است، اما همه دیگری را مقصر می‌دانند و سهم و نقش خود را نمی‌پذیرند. باید نیروهای سیاسی، چه کسانی که اکنون در قدرت هستند و چه کسانی که در گذشته در قدرت بودند، به نقد رفتار خود بپردازند و طبعات و نتایج اقداماتی که در گذشته کردند و حاصل آن وضعیت کنونی شده است را به درستی شناسایی کنند و درصدد رفع آن برپاییند.

۴ا ایشان در بخشی از سخنانش با اشاره به تأثیر قدرت نظامی بر اقتدار و با تأکید بر اینکه بخشی از محرومیت‌ها «ناشی از عملکرد خودمان است» گفت: «ولی همین قدرت و توان نیز در صورتی پایدار خواهد بود که اولاً متکی بر اقتصاد نیرومند و دانش قوی باشد و ثانیاً رضایت مردم و امیدواری آنان به آینده بهتر، پشتوانه نظام حکمرانی و نیروهای مسلح باشد و با محوریت یک دیپلماسی هوشمند و ملی و واقع‌نگر و محکم ولی انعطاف‌پذیر، امور اداره شود.» تحلیل تان نسبت به این تأکید چیست؟

منظور از بازآرندگی این است که یک کشور منافع ملی خود را به گونه‌ای بشناسد، تعریف کند و در جهت تأمین آن برپایند که مطمئن‌نگر بنگان نباشد تا بنگان در اندیشه اشغال، استعمار و از بین بردن استقلال و حاکمیت ملت برناییند. این بازآرندگی عوامل متعددی

نجات ایران از مسیر عقلانیت، عدالت و گفت‌وگو، مردم ممکن است از اصلاح‌طلبان ناامید شده باشند، اما هنوز از اصلاح به عنوان راه، دست نکشیده‌اند. اگر ما بتوانیم نشان دهیم که اصلاح‌طلبی یعنی صداقت، شجاعت و مسئولیت‌پذیری در برابر رنج مردم، این گوش شنوا دوباره باز خواهد گشت... مردم به اصلاح‌طلبان زمانی اعتماد می‌کنند که مرز اخلاقی ما با قدرت روشن باشد. جناب آقای خاتمی، امروز اصلاح‌طلبی اگر بخواهد بماند، باید با اصلاح خود آغاز کند.... ما باید در کنار مردم بایستیم، نه فقط برای آنان سخن بگوییم. در شرایطی که کشور با فشار تحریرها، تهدید خارجی و چالش‌های داخلی در پیشبرد اصلاحات و سیاست‌ها مواجه است، تنها نیرویی می‌تواند ایران را نجات دهد که هم عاقل باشد و هم اخلاقی؛ و این دویزگی، ریشه‌های واقعی اصلاح‌طلبی‌اند.»

▼ یک سخنرانی، یک نامه

جمله جملگی سخنان خاتمی به گونه‌ای است که علاوه بر اینکه به دنبال اصلاح وضع معیشت و وضع اجتماعی است، همچنان به نظر می‌رسد او امیدوار است که حکومت در مسیر رضایت‌مندی مردم و ایجاد امید در جامعه گام بردارد. البته که او هم به اینکه مسئولان امر از فرصت پیش‌آمده برای کاهش فاصله میان مردم و مسئولان بهره نبرده‌اند، معترض و حتی شاک‌ی است اما به نظر می‌رسد که به دنبال گوش شنوا است. خاتمی با سخنانش همچنان تلاش می‌کند مسئولان را به خود بیابورد تا بدی شرایط را در یابند. او همچنان اصلاح‌خواهانه بر تغییر رویه و رویکردها از طرف حکومت تأکید دارد. به‌طور کلی سخنان خاتمی مخاطبش تا حد بسیاری مسئولان هستند؛ چیزی که نقطه مقابلش در نامه جبهه‌ا اصلاحات دیده می‌شود. جبهه‌ا اصلاحات ناامید از پیدا کردن آن گوش شنوا در فضای رسمی خواهان تغییر مسیر اصلاح‌طلبان به سمت مردم و قرار گرفتن در کنار مردم شده است. به عبارتی این جبهه به نظر می‌رسد به این نقطه رسیده که امید به تغییر رویکردها حداقلی است و در پی عبور از یکسالگی دولت‌پزشکیان حرکت به سمت اصلاح است. در پی عبور از یکسالگی دولت‌پزشکیان که اصلاح‌طلبان برای رسیدن او به این جایگاه تلاش بسیار کردند، ناترازی‌ها، ناتوانی‌ها و ناهمواری‌هایی که سیستم سیاسی برای این پست انتخابی رقم زده است، احتمالاً این باور را در این شکل ایجاد کرده که حتی اگر در همه پست‌های انتخابی هم وارد شوند، احتمال فراهم آمدن فرصتی برای نقش‌آفرینی و حتی تحقق وعده‌هایشان به مردم با توجه به تحدیدها و چیدمان موجود امکان‌پذیر نیست و عملاً افراد دگراندیش نسبت به آنهایی که حول و حوش هسته سخت قدرت قرار دارند، اگر از تیغ شورای نگهبان هم بگذرند و بتوانند دولت‌ها و مجالس اصلاح‌طلب برپا کنند؛ دولت و مجالس با حداقل اختیارات هستند و آن اصلاحی که اعلام می‌کنند و ادعایش را دارند محقق نمی‌شود. سخنان خاتمی و نامه کمیته سیاسی جبهه اصلاحات به خاتمی دو وجه اصلاح‌طلبی و اصلاح‌خواهی است؛ کمی امیدوارتر یا ناامیدتر. اگر شرایط به همین منوال پیش رود و تغییر و اصلاح در چشم‌انداز پیش‌روی جامعه تعریف نشود، از یک سو سیاست‌ و سیاست‌توزی مسیری جز تعلیق ندارد و سیاستمداران راهی جز سکوت و انتظار نمی‌یابند، از سوی دیگر جامعه ناامید از آینده، روزبه‌روز به سمت فروپاشی به‌انحای گوناگون پیش می‌رود.

تربییون‌های رسمی باید حتماً هماهنگ با نهاد دیپلماسی و نهادهای سیاسی و نظامی باشد. اقتدار ملی در گرو انضباط گفتاری و مسئولیت‌پذیری کلّامی مسئولان است. هر سخن و شعاری که از مجاری رسمی کشور صادر می‌شود، باید ابتدا از فیلتر منافع ملی عبور کند؛ نه اینکه به ابزاری برای تقابل‌های داخلی یا شعارهای لحظه‌ای تبدیل شود. این قابل درک است که ما گاهی برای پیشبرد منافع خارجی کشور نیاز به بیان تهدید در نهادهای رسمی هم داریم. همان‌طور که خیلی اوقات هم نیاز به فرستادن پالاس اعتمادساز داریم. اینکه در هر شرایطی کدام پیام ارسال شود و یا اصلاً ارسال شود یا نشود، باید با هماهنگی نهادهای مسئول باشد. وقتی این هماهنگی وجود نداشته باشد و هر فردی که رسانه رسمی کشور را در اختیار داشته باشد، به صورت خودسرانه تحلیل خودش را در تربییون اعلام کند، این منافع ملی است که آسیب می‌بیند. کما اینکه مادر این سال‌ها تجربه‌های مغربی از سخنان نسنجیده و بی‌دلیل از تربییون‌های رسمی داریم که هدیه و فرصتی برای دشمنان کشور ایجاد کرد که با استفاده از آن سخنان ناهماهنگ، علیه کشور اجماع بین‌المللی ایجاد کردند. به همین دلیل من این سخنان آقای خاتمی را بر اساس نگاه تاریخ به خصوص در چهار دهه گذشته می‌بینم که امیدوارم مورد توجه سیاست‌گذاران کشور و صاحبان تربییون‌های رسمی قرار گیرد.

۴ا ایشان به مسائلی که مانع دولت برای به‌کارگیری مدیران مورد نظرش می‌شود و بخشی از آن در خود دولت است، اشاره می‌کند و در بخش دیگری به ضرورت تلاش دولت برای بازپس‌گیری حقوق و اختیاراتش تأکید دارد. تحلیل تان از این وضعیت و نحوه اصلاح و تغییر آن چیست؟

تأکید آقای خاتمی بر موانع به‌کارگیری مدیران مورد نظر دولت و ضرورت احیای حقوق و اختیارات ریاست‌جمهوری، به دلیل شناخت ایشان از یک آسیب ساختاری و کهنه در نظام اجرایی کشور است. یک دولت زمانی می‌تواند به وعده‌های خود عمل کند و مسئولیت‌پذیری کامل داشته باشد که از اختیارات لازم برای چنین تیم مدیریتی و اعمال سیاست‌های خود بر خوردار باشد؛ سیاست‌هایی که در ایام تبلیغات ریاست‌جمهوری بیان شده و مردم به آن سیاست‌های آا داده‌اند. وقتی این اختیارات چه از درون خود دولت و چه از بیرون دولت، مخدوش شود، این کارآمدی و پاسخ‌گویی به مردم است که آسیب می‌بیند. این وضعیت، باعث کاهش اقتدار اجرایی دولت و زمینه‌ساز تضعیف حکمرانی می‌شود. وقتی یک دولت نتواند مدیران همسو و کارآمد خود را انتخاب کند یا در اعمال سیاست‌هایش با موانع متعدد روبه‌رو شود، نتایج آن به‌صورت مستقیم بر زندگی مردم (از اقتصاد تا مسائل اجتماعی) تأثیر می‌گذارد. مسئله بغرنج دیگر در چنین شرایطی، این است که مرزهای مسئولیت‌پذیری مهم می‌شود و این یعنی تضعیف اعتماد عمومی به کل نظام. برای حل و اصلاح این وضعیت دو کار باید در تمام ساختار پارادایم قدرت مورد تأکید قرار گیرد. اول، شفافیت در حدود اختیارات و مسئولیت‌ها؛ باید خطوط قرمز و اختیارات هر یک از قوا و نهاده‌ا کاملاً مشخص شود تا دولت بتواند با وضوح و اطمینان خاطر، بتواند وظایف خود را انجام دهد. این مسئله به تقویت قانون‌گرایی و از بین بردن مراجع تصمیم‌گیر موازی کمک زیادی می‌کند. دوم، وحدت در بدنه اجرایی؛ خود دولت نیز باید از انسجام داخلی برخوردار باشد و تفرقه‌های احتمالی درون سیستمی را برطرف کند تا بتواند به‌شکل یکپارچه و قدرتمند عمل کند و از حقوق و اختیارات قانونی خود دفاع نماید. اقتدار دولت در گرو توانایی و اختیار آن برای انتخاب و به‌کارگیری نیروهایش، و اجرای برنامه‌هایش در چارچوب قانون اساسی است. اگر دولت در درون خود صدای واحدی نداشته باشد، چه از بیرون و چه در داخل جدی گرفته نخواهد شد.